

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»
سال سوم، شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۷؛ ۵-۲۹

بررسی و نقد انگاره برتری ذاتی بنی اسرائیل بر اساس مطالعه تطبیقی تفاسیر قرآن و تفاسیر عهد عتیق

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۶)

طاهره سادات طباطبائی امین^۱

چکیده

تعبیری در آیات قرآن کریم و عهد عتیق یافت می‌شود که موهم برتری ذاتی قوم بنی اسرائیل است. پژوهش حاضر، با روش تحلیلی-تطبیقی این انگاره را با مستندات از تفاسیر قرآن و تفاسیر عهد عتیق، مورد بررسی و نقد، قرار گرفته است. مفسران عهد عتیق، در نقد این انگاره، به لغو برتری بنی اسرائیل پس از گوساله پرستی و درگیری یهود با پیامبران الهی، ناسازگاری آن با عقل، نامعلوم بودن ریشه این اعتقاد، غیرانسانی بودن تعصب برخی متون یهود بر نژادپرستی، اشاره کرده‌اند. مفسران قرآن کریم، نیز این انگاره را بر اساس ادله‌ای همچون مشروط بودن برتری بنی اسرائیل به ایمان و پذیرش ولایت آل محمد(ص)، محدودیت زمانی و مکانی این برتری، تعارض آن با آیات خیریت و برتری امت حضرت محمد(ص)، متأخر بودن آیات برتری امت اسلام نسبت به آیات برتری بنی اسرائیل در ترتیب نزول و ضرورت فهم صحیح تفضیل به معنای «تخصیص نعمت‌های فراوان به این قوم، سرزنش‌های مکرر بنی اسرائیل در آیات قرآن، نقد و رد کرده‌اند. بدینسان آیات برگزیدگی و تفضیل قوم بنی اسرائیل، محدود به زمان خاص بوده و تداوم نیافته است.

^۱ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم tabatabaei.amin@gmail.com

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن، مفسران عهدعتیق، بنی اسرائیل، برتری ذاتی، تفضیل.

۱- مقدمه

قرآن کریم، در باره قوم بنی اسرائیل، یعنی فرزندان حضرت یعقوب و قوم حضرت موسی(ع) بیش از سایر اقوام سخن گفته و داستان لجاجت و کفر و دشمنی آنها با حق را مفصل شرح داده است. در این آیات، گزاره‌هایی به چشم می‌خورد که موهم تفضیل این قوم است. عهدعتیق نیز گزاره‌هایی دارد که حاکی از برتری این قوم است. قوم یهود از این گزاره‌ها سود جسته، نژاد خود را برتر انگاشته‌اند و بر این اساس برتری ذاتی قوم بنی اسرائیل را ادعا کرده‌اند.

محققان و مفسران در پاسخ این انگاره کاوش‌هایی داشته‌اند؛ از جمله مقاله برتری بنی اسرائیل در قرآن و تورات (سهیلا جلالی کندی، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۴۳). اما این مقاله تنها به واژه شناسی تفضیل، تفسیر آیات تفضیل، و ذکر چند جمله از تورات بسنده کرده و به تفاسیر عهدعتیق اشاره ای ندارد. از این رو مقاله پیش رو با روش تحلیلی تطبیقی، در راستای ردّ و نقد انگاره برتری ذاتی قوم بنی اسرائیل به پاسخ این پرسش‌ها پرداخته است:

۱. چه گزاره‌هایی در قرآن و تورات منشأ پیدایش انگاره برتری ذاتی بنی اسرائیل شده است؟

۲. چگونه میتوان بر اساس مفهوم شناسی واژه بنی اسرائیل، انگاره برتری ذاتی این قوم را نقد کرد؟

۳. مفسران عهدعتیق در نقد این انگاره چه ادله ای مطرح کرده‌اند؟

۴. مستندات مفسران قرآن و شواهد روایی در ردّ این انگاره کدام است؟

نگارنده برای ردّ متقن این انگاره ادله جدید و عدیدی از تفاسیر قرآن و شروح عهدعتیق ارائه می‌کند. به علاوه تفضیل این قوم را با «خیر بودن و بهتر بودن» امت اسلام در چند محور مقایسه می‌نماید.

۲- منشأ دیدگاه برترانگاری بنی اسرائیل

در قرآن و عهدعتیق به فضیلت بنی اسرائیل بر سایر اقوام، اشاراتی رفته است. اما تفسیر ناقص مفسران و کم توجهی به سایر گزاره‌ها، باعث عدم فهم درست آنها شده و دستاویزی برای عقیده نژادپرستی در میان این قوم گردیده است. لذا ابتدا این انگاره از دیدگاه قرآن پژوهان و تورات پژوهان تقریر می‌شود، و سپس شواهدی در نقد و ردّ آن، ارائه می‌گردد.

۱-۲- قرآن و اشاره به برتری بنی اسرائیل

از برخی آیات قرآن کریم نیز بر می‌آید که قوم بنی اسرائیل قوم برتر هستند و این خداوند تبارک و تعالی است که برتری را به آنان عنایت فرموده است. سوره‌های جاثیه، اعراف، و بقره، با تعبیر «تفضیل»، از برتری این قوم نسبت به هم‌همی جهانیان حکایت کرده‌اند:

(وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) (جاثیه/۱۶): ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی) و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزی‌های پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم.

(قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) (اعراف/۱۴۰): (سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، معبودی برای شما بطلبم؟! خدایی که شما را بر جهانیان برتری داد!»
(يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) (بقره/۴۷): ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم.
ظاهر این آیات بدون توجه به سیاق آیات، و بدون مطالعه تفاسیر، مؤید ادعای برگزیدگی قوم بنی اسرائیل است.

۲-۲- عهد عتیق و اشاره به برگزیدگی بنی اسرائیل

به گفته کتاب مقدس، توجه خاص خداوند به این قوم، به ماجرای حضرت ابراهیم و اطاعت بی چون و چرای او در ذبح فرزند برمی‌گردد. در واقع، پس از این اطاعت محض خداوند به عنوان پاداش، به او وعده می‌دهد که به فرزندان او موقعیت و جایگاهی ویژه عطا کند: «به ذات خود قسم خورده‌ام که چون مرا اطاعت کردی و حتی یگانه پسرت را از من دریغ نداشتی، تو را چنان برکت دهم که نسل تو بی شمار گردند. آنها موجب برکت همه قوم‌های جهان خواهند گشت، زیرا تو مرا اطاعت کرده‌ای.» (سفر پیدایش، ۱۶: ۲۳-۱۸) بر طبق این وعده، فرزندان حضرت ابراهیم در دستگاه خداوند جایگاهی ویژه خواهند داشت و در واقع آنان برگزیده شده‌اند.

از ادبیات مکتوب یهودیت برمی‌آید که در طول تاریخ، همیشه در میان پیروان این دین گونه‌ای از این اندیشه وجود داشته که قوم اسرائیل قوم برگزیده خدا است و از جهاتی بر دیگر اقوام و ملل برتری دارد. در کتاب «تاریخ باستانی اسرائیل از دیدگاه کتاب مقدس» آمده است: "مفهوم برگزیدگی در یهودیت مهمترین عنصر و نمود برنامه سعادت خداوند برای نسل بشر است. (Sweeney, ۲۰۰۴: ۲۴)

۳- نقد انگاره برتری این قوم بر اساس مفهوم واژه «بنی اسرائیل» و علت نامگذاری یعقوب به «اسرائیل»

به نظر می‌رسد یکی از دستاویزهای نظریه برتری ذاتی قوم بنی اسرائیل، مفهوم واژه بنی اسرائیل است. که برداشت‌های نادرستی از آن کرده‌اند. به منظور توضیح بیشتر، لازم است مفهوم این واژه بر اساس منابع اسلامی و نیز عهد عتیق بررسی شود.

۳-۱- مفهوم واژه بنی اسرائیل و علت نامگذاری حضرت یعقوب در منابع اسلامی

یادکرد بنی اسرائیل در قرآن فراوان است. در کاربرد قرآنی کلمه اسرائیل به تنهایی و به‌عنوان لقب حضرت یعقوب ابار، و بنی اسرائیل (به شکل مرکب) ۴۲ بار در سوره‌های مختلف دیده می‌شود. واژه اسرائیل از نام‌های حضرت یعقوب است، و بنی اسرائیل یعنی فرزندان یعقوب. حال چرا به یعقوب اسرائیل گفته شده و علت این نامگذاری چه بوده است؟ در تفسیر مجمع البیان آمده: «اسرائیل یک کلمه عبری است و نام یعقوب بن اسحاق فرزند حضرت ابراهیم می‌باشد. کلمه «اسرائیل» ترکیبی از دو کلمه «اسر» به معنای بنده و «ئیل» بمعنای خدا است مانند کلمه عبدالله در عربی.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۶/۱)

منابع حدیثی در علت نامگذاری یعقوب به اسرائیل، روایات مفصلی نقل کرده و حتی برخی کتب حدیثی مانند علل الشرایع، یک باب مستقل به وجه تسمیه یعقوب به اسرائیل اختصاص داده‌اند. اینجا به مهم‌ترین علت‌های این نامگذاری اشاره می‌شود. امام صادق فرمود: *كَانَ يَعْقُوبُ وَعِيسُ تَوَامِنِ فَوُلِدَ عِيسُ ثُمَّ وُلِدَ يَعْقُوبُ فَسَمِيَ يَعْقُوبَ لِأَنَّهُ خَرَجَ بَعْبِ أَخِيهِ عِيسٍ وَ يَعْقُوبُ هُوَ إِسْرَائِيلُ وَ مَعْنَى إِسْرَائِيلَ عَبْدُ اللَّهِ لِأَنَّ الْإِسْرَاءَ هُوَ عَبْدٌ وَ إِيلَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.* (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱) در این حدیث امام صادق (ع) ابتدا اشاره کرده که *إِسْرَائِيلُ* نام حضرت یعقوب بوده، سپس مفهوم واژه یعقوب را ذکر کرده که: چون عقب برادر دوقلویش به دنیا آمده یعقوب نامیده شده است. سپس امام صادق (ع) اسرائیل را نام دیگر یعقوب دانسته و فرموده این نام به معنی عبدالله و بنده خداست، چون از دو کلمه *إِسْرَاءُ* به معنی بنده، و *إِيل* به معنی خدا تشکیل شده است.

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: *أَنَّ الْإِسْرَاءَ هُوَ الْقُوَّةُ وَ إِيلَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَعْنَى إِسْرَائِيلَ قُوَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.* (شیخ صدوق، ۱۳۸۶: ۴۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۵/۱۲) یعنی اسرائیل به مفهوم قدرت خداست، چون ترکیبی از دو کلمه *إِسْرَاءُ* به معنی قدرت، و *إِيل* به معنی خدا می‌باشد.

کتاب قصص الانبیاء نیشابوری نیز پنج وجه برای این نامگذاری ذکر می‌کند: "اول آنکه بنده خدا بود. دوم اینکه چون در زبان عبری اسرائیل به معنای برآمدن و برانگیخته شدن است و یعقوب از آل ابراهیم برانگیخته شد. سوم این که هنگام

تولد حضرت یعقوب، فرشتگان او را به آسمان دنیا بردند و نام اسرائیل بر او نهادند. چهارم بدین جهت که سه روز در محراب ابراهیم و اسماعیل و اسحاق سجده کرد. پنجم چون از وطن خود به کنعان کوچ کرد. (نیشابوری، ۱۳۸۲: ۸۲) بر اساس تفاسیر قرآن و شواهد روایی، واژه بنی اسرائیل به مفهوم "بنده‌ی خدا" است.

۳-۲- بررسی مفهوم واژه بنی اسرائیل و علت نامگذاری حضرت یعقوب در عهد عتیق

بنی اسرائیل، به مفهوم فرزندان اسرائیل و اسرائیل، لقب یعقوب پیامبر است. اسرائیل، ترکیبی از دو واژه «اسر» به معنای غلبه و «ایل» به معنای قدرت کامل است و آن اسم یعقوب بن اسحاق است که در هنگام کشتی با فرشته خدا بدان ملقب گردید و اسرائیل و اسرائل و اسرال نیز خوانده شده است. (هاکس، ۱۳۷۷: ۵۳ و ۱۴۲) در زبان عبری، به کسی که بر قدرت کامل، یعنی خداوند چیره شده گفته می‌شود. این لقب را از آن‌رو بر یعقوب نهاده‌اند که وی در مبارزه با خداوند بر او پیروز شد.

(نک: پیدایش، ۳۲: ۲۹-۲۵)

چنان که ملاحظه می‌شود در عبارات یهود تناقض وجود دارد. آنها گاهی مفهوم واژه اسرائیل را به معنی شخص مقتدری که بر خدا غلبه کرده و گاهی به مفهوم شخصی که با فرشته خدا جنگیده و پیروز شده دانسته‌اند. از آنجا که این مفاهیم با عقاید توحیدی در ستیز است؛ توجیه و تأویل آن ضرورت دارد. این مفاهیم در صورتی قابل قبول است که به معنای "تجلی قدرت خدا" باشد. اما معنای "مقتدرتر از خدا" برای این واژه که نام یکی از پیامبران الهی بوده، قابل قبول نیست.

۴- پاسخ به انگاره برتری ذاتی بر اساس تفاسیر عهد عتیق

برخی مفسران عهد عتیق از روی انصاف برآمده، پنداره برتری ذاتی و نژادی بنی اسرائیل را مورد نقد قرار داده‌اند. اینان برای سخن منصفانه خود مستندات قابل توجهی ارائه کرده‌اند که اینجا پنج دلیل رد این انگاره از منظر مفسران عهد عتیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱ نژادپرستی: یک برداشت انحرافی از متون مقدس یهودی

تورات پژوهان اگرچه عقیده‌ی برگزیدگی قوم اسرائیل را به عهد عتیق نسبت داده‌اند، اما نژادپرستی را مستقیماً به تورات و تلمود نسبت نداده، بلکه آن را از تأویل‌های انحرافی کتاب مقدس توسط یهود دانسته و گفته‌اند: "بنا به عهد قدیم، قوم اسرائیل، قوم برگزیده خدا است. از سوی دیگر کسانی در تاریخ یهودیت، از این برگزیدگی یک برتری روحی و ماهوی را استفاده کرده‌اند. همچنین کسانی در این راه چنان افراط کرده‌اند که به نژادپرستی روی آورده‌اند. اما حق آن است که این برگزیدگی، مشروط و برای انجام مأموریتی خاص بوده است. برگزیدگی به این معنا ویژه قوم اسرائیل نیست و انبیای دیگر هم در رابطه با امت خویش همین را گفته‌اند. همچنین در تاریخ یهودیت دانشمندان بزرگی بوده‌اند که از

برگزیدگی همین برداشت را داشته‌اند. به نظر می‌رسد که از کتاب تلمود هم در مجموع همین را می‌توان برداشت کرد، هر چند در این مجموعه عظیم سخنان گوناگونی آمده، که از ظاهر بعضی برتری قومی استشمام می‌شود. اما با توجه به سخنان محکمی که در نقض آن آمده، شاید نتوان به صورت قطعی چنین مطلبی را به این مجموعه نسبت داد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نژادپرستی برداشتی خطا، و انحراف از متون مقدس یهودی است. (سلیمانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳)

۴-۲ نامعلوم بودن ریشه اعتقاد یهود به خودبرتری نژادی

یهود گاهی این عقیده را صریح‌تر بیان می‌کنند: خدا ما را -به دلایلی که آشکار نیست- از میان مردمان برگزید و سرزمین اسرائیل را به ما هدیه داد. چه کسانی که آنجا زندگی می‌کنند؛ و چه آنها که با روحشان بدان پیوند دارند، به مزیت و مسؤولیت این میراث با سپاسگزاری و سرور و فروتنی اقرار دارند. (Rabbi Wayne Dosik, ۲۰۰۷: ۳۴۴)

اکنون پرسش آن است که این اندیشه از کجا و کدام متن مقدس سرچشمه گرفته و به کجا منجر شده‌است؟ اعتقاد بر این بوده که این اندیشه در اصلی‌ترین بخش متون مقدس یهودی، یعنی کتاب تورات ریشه دارد و در بخش‌های بعدی متون مقدس یهودی شرح و بسط یافته است. به گفته کتاب مقدس، توجه خاص خداوند به این قوم به ماجرای حضرت ابراهیم و اطاعت بی چون و چرای او در ماجرای ذبح فرزند برمی‌گردد. در واقع، پس از این اطاعت محض خداوند به عنوان پاداش، به او وعده می‌دهد که به فرزندان او موقعیت و جایگاهی ویژه دهد: «به ذات خود قسم خورده‌ام که چون مرا اطاعت کردی و حتی یگانه پسرت را از من دریغ نداشتی، تو را چنان برکت دهم که نسل تو بی شمار گردند. آنها موجب برکت همه قوم‌های جهان خواهند گشت، زیرا تو مرا اطاعت کرده‌ای.» (سفر پیدایش، ۱۶: ۲۳-۱۸) بر طبق این وعده، فرزندان حضرت ابراهیم در دستگاه خداوند جایگاهی ویژه خواهند داشت و در واقع آنان برگزیده شده‌اند.

دانشمندان یهودی در طول تاریخ نگرش‌های متفاوتی در باره این اندیشه داشته‌اند. برداشت برخی از این آموزه منجر به نژادپرستی صرف و افراطی شده، اما برداشت برخی دیگر معتدل‌تر است. آنان تلاش کرده‌اند بیانی خردپذیر از این اندیشه ارائه دهند. و حتی عده‌ای اصل اندیشه را رد کرده‌اند. (سلیمانی، همان)

در نوشته‌های اغلب محققان معاصر یهود رگه‌هایی از خودبرترانگاری مشهود است. (نک: فرزین، باورها و آیین‌های یهودی (آلن آنترمن) ۱۳۸۵: ۲۳-۲۲) به واسطه اعتقاد به برگزیدگی توسط خدا، این توهم خیالی توسط دینداران و بی‌دینان رشد یافت که یهودیان باهوش‌تر، بهتر، سالم‌تر، برازنده‌تر برای زیستن و خلاصه موتور تاریخ و نمک زمین هستند! این اعتقاد نسلی را تولید کرده که میهن پرستی متعصبانه دارند. اینک مفهوم برگزیدگی، فقط جوهره مکتب یهودیت نیست؛ بلکه شرط یهودی بودن نیز هست. (Hannah Arendt, ۱۹۵۱: ۷۳)

۳-۴ برگزیدگی به مفهوم مسؤولیت‌های روحانی

بسیاری از تورات پژوهان نیز این برگزیدگی را دست ساخته خود یهود، و علت آن را نامعقول و نامعلوم می‌دانند. رابی وین دوسیک در این زمینه گفته: در طول قرن‌ها بدگویان یهودیان و یهودیت اشاره کرده‌اند که مفهوم برگزیدگی تنها تلاشی توسط یهود بوده که برتری و بزرگی و همی خود را به رخ دیگران بکشند؛ اما عینا خلاف این مطلب درست است. برگزیدگی به معنای امتیاز ویژه نیست؛ بلکه به معنای مسؤولیت‌های روحانی است: چراغی برای ملت‌ها، جامعه با ایمانی که نور عشق و قانون خدا را بازتاب می‌دهد. (۱۹: ۲۰۰۷، Rabbi Wayne Dosik)

۴-۴ تعصب افراطی غیرانسانی متون یهود بر نژادپرستی

برخی تورات پژوهان، عقیده‌ی برگزیدگی را به تلمود نسبت داده، چنین عباراتی را از این کتاب نقل کرده‌اند: روح یهودیان جزئی از خداوند متعال است چنانکه پسر جزئی از پدرش می‌باشد. بر هر یهودی واجب است تلاش کند و مانع سلطه سایر امت‌ها در زمین شود. یک یهودی نزد خداوند بیش از فرشته‌ها اعتبار و جایگاه دارد، چون جزئی از خداوند است و اگر غیر یهودی به یهودی بزند، گویی به عزت الهی زده‌است. تفاوت میان مقام انسان و حیوان به اندازه‌ی تفاوت میان یهود و غیر یهود است. یهودی مجاز است که در تعامل با غیر یهودی تقلب کند و سوگندهای دروغ برایش یاد کند. یهود از هزاران سال قبل مردم را به دو بخش تقسیم کردند: یهود و جویم (امت‌های غیر یهودی). آنان غیر یهودی را از چارپایان، نجس‌تر و کافرتر می‌دانند و بر این باورند که خداوند فقط چهره بشری به اینان داده، بی آنکه ذاتا مستحق آن باشند، چون از گل حیوانی خلق شده‌اند و روان نجس، پلید و شیطانی دارند و تنها برای خدمت به یهود آفریده شده‌اند. خداوند به غیر یهود چهره بشری داده تا سرورانشان راحت‌تر بتوانند با آنان تفاهم و تعامل برقرار کنند و آنان را به خدمت و بردگی بگیرند. (المیدانی، ۱۴۲۳: ۱۵-۱۴)

این دسته از محققان گفته‌اند: همه یهودیان معتقد به برگزیدگی از جانب خداوند می‌باشند و کفر و گوساله پرستی و پیمان شکنی یهود نیز مانع این امتیاز خاص و برتری نژادی نمی‌شود. (همان: ۱۳)

۴-۵ لغو برتری این قوم، به دنبال گوساله پرستی و درگیری یهود با پیامبر الهی

ایلانا پردس با اشاره به عقب‌گرد این قوم در معنویت، گوساله پرستی و درگیری‌های آنان با پیامبران؛ برترانگاری بنی اسرائیل را زیر سؤال می‌برد: اسرائیلیان امتی برگزیده‌اند؛ امت خدا هستند؛ اما علت این برگزیدگی مبهم باقی مانده‌است. این نه مثل نمونه‌های قهرمانی متداول است و نه اینکه امتی نمونه از جهت استانداردهای اخلاقی و مذهبی بالا هستند. اسرائیل، در دشت‌های موآب در ورودی کنعان، جامعه رشد یافته‌تری بودند از ملت در حال تولد در راه خروج از مصر؛ پس این به معنی پیشرفته بودنشان در معنویات نیست، چون در گام‌های اولیه سفر خروج از مصر، گوساله پرست شدند و در موارد بسیار با موسی درگیری داشتند ... (۸-۶: ۲۰۰۰، Ilana Pardes)

۵- پاسخ به انگاره برتری ذاتی بر اساس تفاسیر قرآن و شواهد روایی

اینجا مسأله برترانگاری بنی اسرائیل بر اساس ۱۰ دلیل از تفاسیر قرآن و روایات، رد شده است. این ادله عبارتند از: مشروط بودن برتری بنی اسرائیل به ایمان و پذیرش ولایت آل محمد(ص)، محدودیت زمانی و مکانی این برتری، تعارض آن با آیات برتری امت حضرت محمد(ص)، تفاوت خیریت با تفضیل، متأخر بودن خیریت از تفضیل در ترتیب نزول، برتری به معنای تخصیص نعمت‌های فراوان به این قوم، آیات سرزنش بنی اسرائیل.

۵-۱ مشروط بودن برتری به ایمان

آیات قرآن کریم، برتری اهل کتاب را مشروط به ایمان می‌داند: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) (آل عمران/۱۱۰): شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار).

در این عبارت -پس از بیان اُخیریت و ممتاز بودن امت آخرین پیامبر بر سایر امت‌ها- اهل کتاب را در صورتی برخوردار از این خیر یا اُخیریت می‌داند که به این امر ایمان بیاورند. یعنی اگر اهل کتاب (از جمله یهودیان و مسیحیان) به برتری امت حضرت محمد(ص) ایمان بیاورند برایشان بهتر است؛ اما متأسفانه بیشتر اهل کتاب خارج از دایره ایمانند، و بخش کمی از آنها مؤمنند. از آنجا که بنی اسرائیل نیز مصداق اهل کتابند، امتیاز امت محمد(ص) بر آنها کاملاً روشن است.

۵-۲ مشروط بودن برتری به پذیرش ولایت آل محمد(ص)

برخی روایات تفسیری، فضیلت نیاکان بنی اسرائیل را به‌خاطر ایمان به پیامبر خاتم(ص) و اعتقاد به جانشینی حضرت علی(ع) می‌داند. از امام حسن عسکری(ع) نقل شده که فرمود: ... ثُمَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ أَنْ بَعَثْتُ مُوسَى وَ هَارُونَ إِلَىٰ أَسْلَافِكُمْ بِالنُّبُوَّةِ فَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ نُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ ص وَ وَصِيَّةِ عَلِيٍّ ع وَ إِمَامَةِ عَنَتَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَ أَخَذْنَا عَلَيْكُمْ بِذَلِكَ الْعَهْدِ وَ الْمَوَاقِيقِ الَّتِي إِنْ وَفَيْتُمْ بِهَا كُنْتُمْ مُلُوكًا فِي جَنَانِهِ مُسْتَحَقِّينَ لِكِرَامَاتِهِ وَ رِضْوَانِهِ وَ أَنِي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ هُنَاكَ أَيْ فَعَلْتَهُ بِأَسْلَافِكُمْ فَضَّلْتَهُمْ دِينًا وَ دُنْيَا أَمَا تَفْضِيلُهُمْ فِي الدِّينِ فَلِقَبُولِهِمْ وَ لِيَاةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ وَ أَمَا فِي الدُّنْيَا فَبِأَنَّ ظَلَلْتُ عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْتُ عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى وَ سَقَيْتَهُمْ مِنْ حَجَرٍ مَاءٍ عَذْبًا وَ فَلَقْتُ لَهُمُ الْبَحْرَ فَانْجَبَتْهُمْ وَ اغْرَقْتُ أَعْدَاءَهُمْ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ فَضَّلْتَهُمْ بِذَلِكَ عَلَى عَالَمِي زَمَانِهِمُ الَّذِينَ خَالَفُوا طَرِيقَهُمْ وَ حَادُوا عَنْ سَبِيلِهِمْ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فَإِذَا كُنْتُ قَدْ فَعَلْتُ هَذَا بِأَسْلَافِكُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لِقَبُولِهِمْ وَ لِيَاةِ مُحَمَّدٍ ص فَبِالْأَحْرَى أَنْ أُرِيدُكُمْ فَضْلًا فِي هَذَا الزَّمَانِ إِذَا أَنْتُمْ وَفَيْتُمْ بِمَا أَخَذَ مِنَ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ عَلَيْكُمْ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹/۳۱۱ به نقل از تفسیر منسوب به امام عسکری(ع))

یعنی: ... سپس خداوند فرمود: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ یعنی ای بنی اسرائیل نعمت‌های مرا یاد کنید. مراد از نعمت، فرستادن پیامبرانی چون موسی و هارون برای اسلاف (نیاکان) شماست که این پیامبران را به پیامبری حضرت محمد (ص) و جانشینی حضرت علی (ع) و امامت خاندان پاکش راهنمایی کردیم. و بر این امر از شما عهد و پیمان‌هایی گرفتیم که اگر به آن‌ها وفادار باشید، در باغ‌های بهشت خداوند پادشاهی می‌کنید و مشمول کرامات و رضوان الهی خواهید بود. وَ اَنْتِي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ یعنی نیاکان شما را برتری بخشیدم. (این برتری در دو بعد دینی و دنیوی بود) برتری دینی آن‌ها به خاطر پذیرفتن ولایت محمد و علی و خاندان پاکشان، و برتری دنیایی شان در این بود که ابرها را برایشان سایبان نمودم، من و سلوی بر آن‌ها نازل کردم، و از سنگ به آن‌ها آب شیرین نوشاندم و دریا را برایشان شکافتم تا نجاتشان دهم و دشمنان فرعون و قوم او را غرق کنم. و با این چیزها آن‌ها را بر همه‌ی مردم زمانشان که مخالف و منحرف از راه و روش اینان بودند، برتری دادم. سپس خداوند به آن‌ها فرمود: اگر من با اسلافتان بخاطر ایمان‌شان به نبوت محمد و ولایت علی اینگونه کردم به طریق اولی به شما فضیلت و برتری بیشتری می‌بخشم به شرط آنکه به عهد و پیمانم وفا کنید ...

آیاتی نیز وجود دارد که حجّت‌ها و دلیل‌هایی را که برای بنی اسرائیل آورده شده و نعمت‌هایی را که به آنان و پدرانشان داده است بیان کرده و آنها را به جدشان یعقوب منسوب می‌نماید: "ای پسران یعقوب (اسرائیل)". اگرچه مخاطب این سخن، هم یهود و هم نصاری هستند ولی ابن عباس می‌گوید مقصود از این خطاب‌ها فقط یهود مدینه و اطراف آن می‌باشند نه همه بنی اسرائیل. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۷/۱) آیاتی نیز در قرآن هست که حاکی از عهد و پیمان خدا با قوم بنی اسرائیل می‌باشد: (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون). (بقره/۴۰): ای فرزندان اسرائیل! نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید! و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. (و در راه انجام وظیفه، و عمل به پیمانها) تنها از من بترسید!

در این که مقصود از "عهد" در این آیه چیست؟ شیخ طوسی در تبیان (همان: ۱۸۳/۱) و طبرسی در مجمع البیان (همان: ۲۰۸/۱) اقوال مختلفی نقل می‌کنند و خود، این قول را می‌پذیرند که مراد، بشارت‌هایی است که در تورات درباره بعثت پیامبر اکرم (ص) وارد شده و از بنی اسرائیل پیمان گرفته شده بود که به آن حضرت ایمان بیاورند.

لیکن روشن است که اولاً، این یکی از مصادیق عهد خدا با بنی اسرائیل است و ثانیاً، شاهدی برای انحصار عهد در آنچه در تبیان و مجمع آمده نیست. مراد از عهد در آیه محل بحث، عهد تشریعی، یعنی مجموعه وحی و مقرراتی است که از جانب خدا برای بنی اسرائیل نازل شده و در قلمرو تکلیف است و آنان موظف به ایمان به آن و پیروی از آن بوده و هستند. پس عهدی که با زبان تکوین و فطرت آغازین برقرار شد از محور بحث بیرون است، گرچه زمینه اخذ تعهد

تشریحی با آن فراهم شده است. البته مصداق کامل عهد مزبور، ایمان به رسول اکرم (ص) می باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳/۳۴)

۳-۵ محدودیت زمانی و مکانی برتری

اگر چه خداوند برتری‌هایی به این قوم عنایت فرمود، اما با توجه به محدودیت زمانی این برتری‌ها باید گفت این قوم نمی‌توانند برگزیده ترین امت عالم باشند.

مفسران بر این باورند که برتری بنی اسرائیل نسبت به مردم زمان خودشان سنجیده شده برخی نیز نقل کرده‌اند که این برتری در کثرت پیامبران مبعوث است. (مازندرانی، ۱۳۲۸: ۱۳۹/۲) مراد از تفضیل بر عالمیان، برتری آنان در کثرت پیامبران، کتب آسمانی، من و سلوی، غرق فرعون، رهایی از عذاب دشمنان، و کثرت آیات و معجزات است که باعث کاهش مشقت استدلال می‌شود. (طوسی، بی تا: ۲۱۰/۱)

اگر مراد از عالمیان، مردم همان عصر باشد، در این صورت مراد از برتری، برتری از همه جهات خواهد بود، چون بنی اسرائیل در عصر خود از هر جهت بر سایر اقوام و ملل برتری داشتند. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۸/۲۵۲)

بسیاری از محققان، عالمین (در آیه فضلتکم علی العالمین) را مردم خصوص زمان خودشان می‌دانند. تفسیر مجمع البیان این قول را به اکثر مفسران نسبت می‌دهد. (طوسی، بی تا: ۲۱۰/۱) برخی مفسران نیز که منکر فضیلت بنی اسرائیل هستند، علت بیان تفضیل در آیه مزبور را چنین تحلیل کرده‌اند: از آنجا که اسلاف و نیاکان بنی اسرائیل این فضیلت‌ها را داشتند؛ و آوازه نیک اسلاف، به نسل‌های بعدی هم می‌رسد، لذا این صفات به همه قوم نسبت داده شده‌است، اگرچه در آن روز مخاطبان آیه از این فضیلت‌ها برخوردار نبودند. چون در ذکر فضایل امت‌ها، افراد و زمان‌ها لحاظ نمی‌شوند. (ابن عاشور، ۱۳۸۴: ۴۶۸/۱)

عالمین و جهانیان از نظر نگارنده توسعه جغرافیایی دارد نه تاریخی. یعنی در زمان خود بر سایر اقوام موجود در کره زمین برتر بوده‌اند؛ و این توسعه مکانی در تفضیل هرگز به همه اعصار و زمان‌ها سرایت نمی‌کند. یعنی باعث توسعه تاریخی به مفهوم برتری قوم بنی اسرائیل بر جهانیان در همه دوران‌های تاریخ نمی‌شود. و این امر با تأمل در آیات دیگری، تقویت و اثبات می‌شود: (وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ) (انعام/۸۶). این آیه حاکی از تفضیل چهار پیامبر بزرگ الهی مذکور در آیه بر جهانیان است. و تعارض بدین ترتیب حل می‌شود که هر یک از پیامبران مذکور و همچنین موسی و قوم بنی اسرائیل، فقط در زمان خود بر سایر اقوام فضیلت داشتند.

۴-۵ برتری بنی اسرائیل و تعارض آن با آیات خیریت و برتری امت حضرت محمد(ص)

چهارمین دلیل ردّ برگزیدگی بنی اسرائیل این است که با آیاتی از قرآن کریم تعارض دارد. مانند: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) (آل عمران/۱۱۰): شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند (و خارج از اطاعت پروردگار).

از آنجا که آیه شریفه خطاب به امت پیامبر اکرم(ص) است، و این‌ها امت آخرین پیامبر الهی‌اند، اگر این‌ها بهترین امت تعریف شوند، معنا این خواهد بود که بهتر از همه امت‌هایی هستند که تاکنون به دنیا آمده و از دنیا رفته‌اند. قید أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ و شمول تاریخی و جغرافیایی واژه ناس از نظرها پنهان نیست. از این رو برتری امت اسلام می‌تواند توسعه جغرافیایی و تاریخی در بر داشته باشد، چون پس از ایشان قومی و امت پیامبری نخواهد بود که با برتری این‌ها رقابت کند. پس آیه آل عمران می‌تواند حاکم بر همه آیات مذکور باشد.

۵-۵ مقایسه خیریت با تفضیل از جهت مفهوم‌شناسی و فروق لغت

اگرچه خداوند درباره بنی اسرائیل سخن از تفضیل دارد؛ اما درباره امت اسلام نیز سخن از خیریت دارد. تأمل در فرق میان این دو مفهوم، تأییدی است بر برتری امت اسلام بر امت بنی اسرائیل.

تعبیر خیریت با تعبیر فضل و تفضیل متفاوت است. فضل به معنای زیادی و بقیه یک چیز است؛ (ابن منظور، بی تا: ۱۱/۵۳۶؛ و طریحی، ۱۳۶۷: ۵/۴۴۴) و تفضیل، أفضل و تفاضل در عربی برای مقایسه مواردی به کار می‌رود که با هم شباهت‌هایی دارند و تفاوتی اندک بین افراد مشابه وجود داشته‌باشد.

اما خیر گاه به معنای اسم فاعل است و گاهی به معنای أفعال التفضیل. (ابن منظور، بی تا: ۴/۲۶۴؛ طریحی، ۱۳۶۷: ۳/۲۹۶) که این هر دو معنا در یک آیه جمع شده‌اند: (... وَ مَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَ ... (مزمّل/۲۰) در این آیه خیر اول به معنای کارنیک، و خیر دوم به معنای نیک‌تر است.

در آیه مورد بحث: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، خیر افعال التفضیل و صفت برتر است. کلمه خیر در عربی زمانی به کار می‌رود که یک چیز از چنان برتری برخوردار باشد که قابل مقایسه با موارد مشابه نباشد. مثل صفات خداوند که با قید خیر بیان می‌شوند: خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آل عمران/۵۴)، خَيْرُ النَّاصِرِينَ (آل عمران/۱۵۰)، خَيْرُ الرَّازِقِينَ (مائده/۱۱۴)، خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (انعام/۵۷)، خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (اعراف/۸۷)، خَيْرُ الْغَافِرِينَ (اعراف/۱۵۵)، خَيْرُ الْوَارِثِينَ (انبیاء/۸۹)، و ... لذا شنیده نشده که در توصیف خداوند گفته شود: "أفضل الغافرين" یا "أفضل الرازقين"، یا ...

در آیه مورد نظر که خیر صفت برتری است، امت محمد(ص) با تعبیر (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) توصیف شده‌اند، و این بدین مفهوم است که امت محمد(ص) قابل مقایسه با اقوام دیگر از جمله بنی اسرائیل نیستند، اگرچه قوم بنی اسرائیل، بر اقوام زمان خویش فضیلت داشته‌اند. پس تعبیر (فَضَّلْتُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) نمی‌تواند فضیلت بنی اسرائیل را بر امت‌های پس از خودشان برساند.

۵-۶ متأخر بودن آیه خیریت امت اسلام نسبت به آیات تفضیل بنی اسرائیل از جهت ترتیب نزول

برتری قوم بنی اسرائیل و برتری امت اسلام، دو گزاره است که در آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد. در راستای حل تعارض این دو گزاره به مقایسه فضای نزول و ترتیب سوره‌ها پرداختیم. گزاره تفضیل بنی اسرائیل، در آیاتی مطرح شده که در سوره‌های مکی (جاثیه و اعراف) قرار دارند. اما موضوع خیریت امت اسلام بر سایر امت‌ها، در سوره مدنی (آل عمران) قرار دارد. اگرچه گزاره تفضیل در سوره مدنی بقره نیز مطرح شده، اما با توجه به جدول ترتیب نزولی سوره‌های قرآن به نقل از ابن عباس(معرفت، ۱۳۸۰: ۹۰-۹۱)، سوره آل عمران بعد از سوره بقره نازل شده است. در نتیجه به لحاظ تاریخ نزول، ممتاز بودن امت پیامبراکرم(ص)، پس از تفضیل قوم بنی اسرائیل مطرح شده و بعد از آل عمران سوره‌ای سراغ نداریم که سخن از برتری قوم یا امتی گفته باشد. بنابراین می‌توان گفت که از منظر قرآن کریم امت پیامبر خاتم، برترین امت است.

۵-۷ شواهد روایی و تفسیری برتری امت حضرت محمد(ص)

روایاتی از اهل بیت(ع) وارد شده که به برتری امت اسلام بر سایر امت‌های اهل کتاب گواهی می‌دهد. از جمله این که شخصی از تفسیر آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...» (بقره/۱۴۳) را می‌پرسد. امام صادق(ع) می‌فرماید: شما را امتی عادل و معتدل قرار دادیم تا روز قیامت بر سایر مردم شاهد باشید... سپس می‌فرماید: (فَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَنِّي بِهَذِهِ الْآيَةِ جَمِيعَ الْمُوَحِّدِينَ أَفْتَرَى أَنْ مَنْ لَمْ تَكُنْ شَهَادَتُهُ تَجُوزُ فِي الدُّنْيَا عَلَى صَاحٍ مِنْ تَمَرٍ أَنَّ اللَّهَ طَالِبُ شَهَادَتِهِ عَلَى الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ): گمان نکن مخاطب آیه پیروان همه ادیان توحیدی هستند. چگونه ممکن است اهل کتاب که در این دنیا شهادتشان برای یک من خرما جایز نیست، در قیامت شهادتشان پذیرفته شود؟ امام صادق در ادامه سخن، به آیه: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ استشهد می‌کند و می‌فرماید: كَلَّا لَنْ يَعْنِيَ اللَّهُ الَّذِينَ تَظُنُّونَ مِنْ هَمَجِ هَذَا الْخَلْقِ وَ لَكِنْ عَنِّي اللَّهُ الْأُمَّةَ الَّتِي بُعِثَ فِيهَا مُحَمَّدٌ(ص)... یعنی در این آیه نیز مراد خداوند همه خلائق نیست، و تنها امت حضرت محمد(ص) مراد است. سپس ادامه داد: وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) وَحْدَهُ أُمَّةً لَأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً) وَ كَذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) كَانَ وَحْدَهُ أُمَّةً ثُمَّ رَفَدَهُ بَعْلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ كَثْرَةُ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱/۳۵؛ عیا شی، ۱۳۸۰: ۱/۶۳؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۱/۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۱۴۷) در پایان حدیث، امام

صادق علت برتری امت اسلام را اهل بیت پیامبر دانسته می‌فرماید: حضرت محمد به تنهایی یک امت است که با حضرت علی و حضرت فاطمه آراسته شده، و سپس به وسیله امام حسن و امام حسین تکثیر یافته است.

همچنین در تبیین آیه: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ مَّفْسَرَانِ بِرِأْسِهِ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ) مفسران بر آنند که خداوند نعمت بزرگی به امت محمد(ص) داد و آن این است که یکدیگر را به کارهای نیک و معروف امر می‌کنند و از کارهای ناپسند و منکر نهی می‌نمایند. به همین دلیل آن‌ها را بهترین امت خواند. در مقابل قومی از بنی‌اسرائیل را به خاطر ترک این فریضه به شدت نکوهش کرد: (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (مائده/۷۸-۷۹) و نیز فرمود: تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكَلِهِمُ السُّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكَلِهِمُ السُّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (مائده/۶۲-۶۳) گویی کسی که مباشرت به گناه دارد، با کسی که او را از گناه باز نمی‌دارد، مساوی است. (طبرسی، ۱۳۸۵ق: صص ۴۷-۴۸)

چنان که ملاحظه می‌شود هر دو آیه مورد استناد، مبین نکوهش قوم بنی‌اسرائیل و مراجع دینی آن‌هاست و این در برتری امت اسلام بر این قوم و سایر اقوام و ملت‌ها کافی است.

۵-۸ تفضیل قوم بنی‌اسرائیل در آیات قرآن به معنای اعطای نعمت‌های بیشتر

بر اساس آیات مربوط به تفضیل بنی‌اسرائیل، برتری این قوم به معنای نعمت‌های مکرر و گوناگون مادی، و نیز نعمت‌های معنوی است که خداوند به آنها ارزانی داشته و از این جهت بر جهانیان برتری دارند، زیرا این موهبت‌های گسترده به هیچ ملت دیگری داده نشده است. اما اعطای این نعمت‌ها هرگز موجب برتری ذاتی قوم نمی‌شود. به ویژه که این قوم پس از دریافت این نعمت‌ها به پیروی از امیال نفسانی پرداختند و مورد غضب الهی واقع شدند. (جلالی کندی، ۱۳۷۷: ۱۵۷)

بنابراین تفضیل قوم بنی‌اسرائیل به معنای برخورداری از بزرگترین نعمت‌های مادی همچون غذاهای متنوع، سایه‌افکنی ابرها، حاصلخیزی و خوش آب و هوایی و بهترین ویژگی‌های جغرافیایی سرزمین می‌باشد و نعمت‌های بی‌نظیر معنوی از قبیل معجزات فراوان و پیامبران بی‌شمار است. باید توجه داشت که این نعمت‌ها تنها به هدف اتمام حجت بوده و آنها با نقض پیمان الهی، برتر نبودن خود را ثابت کردند.

۵-۹ پاسخ صریح قرآن به قوم بنی‌اسرائیل در ادعای فرزند خدا بودن

یهودیان و مسیحیان از دیرباز ادعای برتری داشته‌اند. تا جایی که خود را فرزند خدا می‌دانستند. قرآن کریم در اشاره به ادعاهای بی‌اساس و امتیازات موهوم‌شان فرموده است: (وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ

بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (مائده/۱۸): یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقات که آفریده؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می‌کند؛ و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست؛ و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست.»

آنان حتی ادعا داشتند که کسی جز خودشان وارد بهشت نمی‌شود. آیه ۱۱۱ بقره این ادعای آنها را بیان کرده و ابطال می‌نماید؛ آیه ۸۰ بقره نیز ادعای یهود را مبنی بر اینکه آتش دوزخ جز ایام معدودی به آنان نمی‌رسد ذکر نموده و آنها را سرزنش می‌کند.

آیه ۱۸ مائده نیز ادعای موهوم فرزندی خدا و دوستی خاص او را رد کرده است. مفسران در تبیین مراد این آیه گفته‌اند: شک نیست که آنها خود را حقیقتاً فرزند خدا نمی‌دانستند ولی منظورشان از انتخاب این نام و عنوان برای خود این بوده که بگویند رابطه خاصی با خدا دارند و گویا هر کس در نژاد آنها و یا جزء جمعیت آنها می‌شد بدون اینکه اعمال صالحی انجام داده باشد، از دوستان و فرزندان خدا می‌شد! اما قرآن با تمام این امتیازات موهوم مبارزه می‌کند و امتیاز هر انسانی را تنها در ایمان و عمل صالح و پرهیزگاری او می‌شمرد، لذا در آیه فوق برای ابطال این ادعا چنین می‌گوید: بگو پس چرا شما را در مقابل گناهانتان مجازات می‌کند؟ (قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ). یعنی شما خودتان اعتراف دارید که لا اقل مدتی کوتاه مجازات خواهید شد، این مجازات گناهکاران نشانه آن است که شما ادعای ارتباط فوق العاده با خدا می‌کنید تا آنجا که خود را دوستان بلکه فرزندان خدا می‌شمارید، این ادعایی بی اساس است. به علاوه تاریخ شما نشان می‌دهد که گرفتار یک سلسله مجازات‌ها و کیفی‌های الهی در همین دنیا نیز شده‌اید و این دلیل دیگری بر بطلان ادعای شما است. سپس برای تاکید مطلب اضافه می‌کند: شما بشری هستید از مخلوقات خدا، همانند سایر انسانها: (بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۳۳۰-۳۲۸)

۵-۱۰ سرزنش‌های فراوان قوم بنی اسرائیل در آیات قرآن

آیات قرآن، حاکی از صفات و رفتارهای نکوهیده‌ای در این قوم است. که باعث شده در مقایسه با سایر اقوام از درجه و امتیاز نازل‌تری برخوردار باشند.

عَلَمَهُ طَباطبایی در این باره می‌نویسد: بنی اسرائیل مردمی بودند غرق در مادیات و دل‌باخته لذایذ حسی این زندگی صوری، بنابراین در مقابل حقایق ماوراء حس خضوع نمی‌کردند و جز در برابر لذات و کمالات مادی تسلیم نمی‌شدند؛

امروز هم عینا همان طور هستند. همین روحیه است که عقل و اراده آنها را تحت انقیاد حس و ماده قرار داده، به طوری که جز آنچه این دو، اجازه می دهند درک نمی کنند و اراده نمی نمایند. آنها هر گونه تقلیدی را که موافق هوس های مادی است به نام بهره برداری از زندگی ستایش می کردند، اگر چه عمل بدی باشد. توقف طولانی آنها در مصر به صورت بردگی و بندگی در چنگال فرعونیان که شدیدترین شکنجه ها را درباره آنها روا می داشتند، نیز به این موضوع کمک کرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۸۰/۱)

قرآن پژوهان برخی عوامل سرزنش قوم بنی اسرائیل را ذکر کرده اند:

الف. بهانه گیری: بنی اسرائیل همواره برای فرار از مسئولیت و انجام دستورات الهی، بهانه تراشی می کردند، به گونه ای که بهانه های بنی اسرائیل ضرب المثل شده است. بهانه گیری های آنان در قالب پرسش های مکرر درباره ویژگی های گاو موسوم به گاو بنی اسرائیل نمونه بارزی از این قبیل است. این پرسش ها با هدف فرار از امتثال دستور حضرت موسی (ع) صورت می گرفت: (بقره/۶۸-۷۱) بهانه گیری درباره عدم تنوع غذایی در وادی تیه نیز نمونه دیگری است. (بقره/۶۱)

ب. پیمان شکنی: (و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و... ثم توکیتم الا قليلا منکم وانتم معرضون) (بقره/۸۳)

گمراهی، با وجود آیات فراوان: (... و ان یروا کلاً آیه لا یؤمنوا بها و ان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلاً و ان یروا سبیل العی یتخذوه سبیلاً ذلک بانهم کذبوا بآیتنا وکانوا عنها غفلین) (اعراف/۱۴۶/۷)

ج. نافرمانی پیامبران: (... فلما کتب علیهم القتال تولوا الا قليلا منهم و الله علیهم بالظالمین) (بقره/۲۴۶) و مشابه آن: (مائده/۲۴) (بقره/۶۷-۷۳)؛ (بقره/۲۴۶)

د. انکار و تکذیب و قتل پیامبران: (أفکلما جاءکم رسول بما لاتهوی أنفسکم استکبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون). (بقره/۲، ۸۷)

ه. عمل نکردن به کتاب آسمانی: (أفتؤمنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض...) (بقره/۸۵)

و. اسراف: (ولقد جاءتهم رسلنا بالبینات ثم إن کثیراً منهم بعد ذلك فی الارض لمسرِفون) (مائده/۳۲)

ز. آزار هارون پیامبرتا مرز کشتن: (ولما رجع موسی إلی قومہ غضبان أسفاً قال بیسما خلفتمونی من بعدی أعجلتُم أمر ربکم و ألقى الألواح و أخذ برأس أخیه یجره إلیه قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلونی فلا تسمت بی الأعداء و لا تجعلنی مع القوم الظالمین) (اعراف/۱۵۰)

ح. فسادانگیزی: (وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفِيسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا) (اسراء/۴)

خ. شعار نیکوکاری بدون عمل: (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا... أ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ.) (بقره/۴۰-۴۴)

ط. جنگ و خونریزی: خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت که خون یکدیگر را نریزند و همدیگر را از سرزمین خویش (ارض مقدس) بیرون نرانند: (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَآتُسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ) (بقره/۸۴)؛ اما آنان همواره در پی زیر پا نهادن آموزه‌های الهی به جان یکدیگر افتاده، خون‌های زیادی بر زمین می‌ریختند: (ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ إِنْ يَأْتُواكُمْ أَسَارِي تُفَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ اخْرُجْهُمْ.) (بقره/۸۵)

ی. گلیه خداوند از تفرقه و اختلاف انگیزی‌های بنی اسرائیل: با وجود نعمتهای بی نظیری که به بنی اسرائیل عنایت شد، اما آنها به جای عبادت و شکرگزاری، به اختلاف افکنی پرداختند: در آیه ۹۳ یونس، جمله "وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ... مِنْ الطَّيِّبَاتِ" سیاق شکایت و گلیه و سرزنش دارد. چون به دنبالش می‌فرماید: "فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ: به اختلاف نیفتادند مگر بعد از آنکه به حقیقت، علم پیدا کردند. (روحی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۱۲)

علامه طباطبائی در تفسیر آیه می‌گوید: ما نعمت را بر بنی اسرائیل تمام کردیم و آنان را در مسکنی جای دادیم که همه خصوصیات مطلوب مسکن را دارا بود و بعد از سال‌های طولانی محرومیت و اسارت به دست قبطیان، از طیبیات روزیشان دادیم و آنان را ملت واحدی گردانیدیم و پراکندگیشان را به جمع تبدیل نمودیم، ولی کفران نعمت کردند و دوباره در مورد حق اختلاف راه انداختند، و این اختلافشان از روی عذر و نادانی نبود، بلکه از روی علم و عمد بود، و پروردگار تو بطور حتم در بین آنان در آنچه اختلاف می‌کنند حکم خواهد کرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰/۱۲۱)

ذلت‌پذیری بنی اسرائیل: قرآن کریم قوم بنی اسرائیل و نسل آنها را قومی ذلت پذیر توصیف نموده و حتی نوع غذاهای درخواستی آنان را نشانه ای از نهادینه شدن این صفت میدانند: (وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قَتَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسَهَا وَ بَصَلَهَا قَالَ أ تَسْتَبِدُّونَ الْآدَمِيَّ هُوَ آدَمِيُّ هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَأْوَأْتُ بَعْضَ مِنْ آلِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ) (بقره/۶۱)

در تفسیر تسنیم آمده: "در این آیه ضمیر علیهم، به نژاد اسرائیلی باز می‌گردد، نه به خصوص متقاضیان عدس و پیاز. در واقع پیام آیه این است: طرح چنین پیشنهاد پست و خفت‌آمیزی از این روست که اساساً قوم بنی اسرائیل و امت یهود، ذلت‌پذیرند و گرنه هیچ ملت شریف و اصیلی حاضر نیست پس از رهایی از بند اسارت و بر خورداری از روح آزاد و

خوراک طیب و لذیذی چون منّ و سلوی، دلش برای سیرو پیاز و سبزی آغشته با پستی و خواری بتپد. نیز ممکن است جمله: ... ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ... تا پایان آیه تتمه‌ای باشد برای مجموعه ناسپاسی‌هایی که در آیات پیشین، درباره بنی اسرائیل بیان شد (چون موضوع شمارش نعمت‌ها و کفران‌ها، در این آیه پایان می‌پذیرد و آیه بعدی وارد فصل جدیدی می‌شود)، نه این‌که صرفاً تتمه‌ای برای خصوص تقاضای استبدال باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴/۶۴۶-۶۴۵)

این مطلب از لحن کلام خداوند در آیه به دست می‌آید که پس از اجرای تقاضای استبدال نعمت، ذلّت آنها را مطرح می‌کند. از این رو تفسیر آلاء الرحمن نیز گفته: "با آن‌که ذلّت و مسکنت پس از رحلت حضرت موسی (ع) و گذشت چند نسل، بر بنی اسرائیل وارد شد، اما این مسأله به روشنی از بررسی تاریخ آنها و انحلال حکومتشان در سامره و به اسارت رفتنشان در بابل به دست می‌آید. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۹۷)

البته باید توجه شود که آیات نکوهش، ناظر به اکثر قوم است، نه همه آنان. هر گونه نکوهشی از این قوم، متوجه گروه کافر آنان است نه همه آنان. چنانکه آیات کریمه سوره مائده می‌فرماید: (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸) كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۷۹) تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (۸۰)) این آیات تنها کفران بنی اسرائیل را ملعون می‌داند. که متأسفانه اکثریت آنها را تشکیل می‌دهد. بنابراین اقلیتی در میان این قوم هستند که هدایت یافته و راه خدا و پیامبران الهی را رفتند و می‌روند.

در جمع متون متعارض در خصوص برتر بودن یا نکوهیده بودن قوم بنی اسرائیل، می‌توان گفت که این قوم با بهترین فرصت‌ها و قابلیت‌های بالقوه، بدترین صفات و رفتارها را فعلیت بخشیده‌اند.

۶- نتیجه‌گیری

۱. در قرآن کریم و در برخی متون یهود عباراتی مشاهده می‌شود که موهم فضیلت قوم بنی اسرائیل است. لذا یهود از این برگزیدگی یک برتری ذاتی را برداشت کرده‌اند. همچنین کسانی در این راه چنان افراط کرده‌اند که به نژادپرستی روی آورده‌اند.

۲. مفسران عهد عتیق در ردّ این انگاره گفته‌اند: حق آن است که این برگزیدگی، مشروط و برای انجام مأموریتی خاص بوده‌است. برگزیدگی به این معنا ویژه قوم اسرائیل نیست و انبیای دیگر هم در رابطه با امت خویش همین را گفته‌اند. همچنین این برترانگاری نامعقول بوده و ریشه اعتقاد به آن نامعلوم است.

۳. در منابع اسلامی روایی و تفسیری شرایط و پیمان‌هایی برای این برتری ذکر شده که به دلیل نافرمانی و شکست این پیمان‌ها، امتیاز برتری، از این قوم سلب شده است.

۴. برخی از ادله رد انگاره برتری ذاتی بنی اسرائیل در متون اسلامی عبارتند از: مشروط بودن برتری بنی اسرائیل به ایمان و پذیرش ولایت آل محمد(ص)، محدودیت زمانی و مکانی این برتری و تفضیل، تعارض آن با آیات برتری و خیریت امت حضرت محمد(ص)، تفاوت خیریت با تفضیل در لغت و کاربرد عرب، متأخر بودن آیه خیریت از آیات تفضیل در ترتیب نزول، سرزنش‌های فراوان بنی اسرائیل در آیات قرآن کریم، و

۵. تفضیل قوم بنی اسرائیل به معنای برخورداری از بزرگترین نعمت‌های مادی (غذاهای متنوع، سایه افکنی ابرها، حاصلخیزی و خوش آب و هوایی و بهترین ویژگی‌های جغرافیایی سرزمین، و ...) و نعمت‌های بی نظیر معنوی (کثرت و توالی پیامبران، فراوانی کتب آسمانی، و ...) است.

۶. این قوم با آن موهبت‌های خاص الهی، فرصت آن را داشتند که بهترین قوم باشند؛ اما به کارهای ناپسند پرداخته، خود را به نازل‌ترین درجات رساندند.

۱. قرآن کریم

۲. ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین (۱۳۸۶): ((علل الشرایع والأحكام))، قم: انتشارات مکتبه‌الدائری.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵): ((دعائم الإسلام))، قم، چاپ دوم.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد علی (۱۳۲۸): ((مشابه القرآن))، بی جا: انتشارات بیدار.
۵. ابن عاشور؛ محمد طاهر (۱۳۸۴): ((تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید))، القاهرة: مطبعه عیسی بابی حلبی، الطبعة الأولى.
۶. ابن منظور (بی تا): ((لسان العرب)) بیروت: دارصادر.
۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴): ((البرهان فی تفسیر القرآن))، قم، چاپ اول.
۸. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰): ((آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن))، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول.
۹. جلالی کندی، سهیلا (۱۳۷۷): ((برتری بنی اسرائیل در قران و تورات))، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۲۶، ص ۱۴۳-۱۶۰.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰): ((تسئیم تفسیر قرآن کریم))، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. روحی، ابوالفضل (۱۳۸۶): ((دائرة المعارف قرآن کریم))، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
۱۲. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۸۳): ((قوم یهود از برگزیدگی تا نژادپرستی))، هفت آسمان، ش ۲۲.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷): ((المیزان فی تفسیر القرآن))، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): ((مجمع البیان فی تفسیر القرآن))، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۵. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵): ((مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار))، انتشارات کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، چاپ دوم.
۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷): ((مجمع البحرین))، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): ((التبیان فی تفسیر القرآن))، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی جا.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰): ((تفسیر العیاشی))، تهران، چاپ اول.
۱۹. فرزین، رضا (۱۳۸۵): ((باورها و آیین‌های یهودی (آلن آنترنمن))، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵): ((تفسیر الصافی))، تهران: مکتبه‌الصدر، چاپ دوم.
۲۱. کتاب مقدس (بی تا): ((ترجمه تفسیری فارسی))، بی جا.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴): ((بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار))، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۳. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰): ((علوم قرآنی))، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ چهارم.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): ((تفسیر نمونه))، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
۲۵. میدانی، عبدالرحمن حسن حبیکه (۱۴۲۳): ((مکاید یهودیه عبر التاریخ))، دمشق: دارالقلم، الطبعة السابعة.
۲۶. نیشابوری، ابو اسحاق ابراهیم بن منصور (۱۳۸۲): ((قصص الانبیاء))، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۲۷. هاگس، جیمز (۱۳۷۷): ((قاموس کتاب مقدس))، تهران، اساطیر، چاپ اول.

۲۸. Ilana Pardes, (۲۰۰۰) *The Biography of Aciert Israel: National Narratives in the Bible*, University of California Press.

۲۹. Marvin A. Sweeney (۲۰۰۴), *The Biblical Account of the Origins and Early History of Israel*, The Blackwell Companion to Judaism, Edited by: Jacob Neusner & Alan J. Avery-Peck, Blackwell Publishing, ۲nd.

30. Rabbi Wayne Dosik (2007), **Living Judaism: The Complete Guide to Jewish Belief, Tradition, and Practice**, Harper Collins e-book.